

خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)

آ. بلنیتسکی، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند

تهران ۱۳۶۴ - ۱۶۰۰ ریال (نشر گفتار)

کتاب از مجموعهٔ تک نگاریهایی است که به همت یوشکو در مورد باستانشناسی نقاط مختلف جهان نوشته شده است و از آن میان تا به حال دو جلد در مورد ایران و چند جلد درباره تمدنهای مجاور یا مشترک با ایران منتشر شده است.

نویسندگان این مجموعهٔ غنی، همه از دانشمندان کارکرده و استاد در رشته کار خود بوده اند و چنان که مترجم در باره نویسندهٔ همین کتاب یعنی آلکساندر بلنیتسکی نوشته اند، او هم از دانشمندان متبحر در زمینه تمدن آسیای مرکزی است. از چاپ کتاب اصلی (متن انگلیسی) نزدیک بیست سال می گذرد. کتاب به فرانسه ترجمه شد و ترجمهٔ آقای دکتر ورجاوند از روی متن فرانسه است. اگرچه در این بیست سال معلومات جدید فراوانی بر مطالب این کتاب سبقت گرفته و گاهگاه حتی برخی از آنها را اصلاح کرده یا تغییر داده است، هنوز عمدهٔ مندرجات آن در زبان فارسی مطرح نشده و از این جهت، ترجمهٔ آن مغتنم است. اما اگر مترجم معلومات جدیدی را می یافت و به آن می افزود، البته برای مردم ما که از کاروان دانش دنیا فاصله ها دارند، مفیدتر بود. مثلاً در کتاب، مطلب بسیار کوتاهی راجع به کشفیات قوی - قیریلقان قلعه آمده است اما تا کنون لااقل بیست جلد کتاب دربارهٔ آنجا و یا غیر مستقیم در مورد آن به چاپ رسیده و دهها مقاله هر یک به نحوی و از جهتی - کشفیات آنرا مورد بازبینی و تفسیر قرار داده اند، امروزه تقریباً روشن شده است که بنای اصلی یک معبد و یک رصدخانه بوده است و از این مطالب در کتاب بلنیتسکی خبری نیست.

همچنین متون خوارزمی که از قوی قیریلقان قلعه و جاهای دیگر به دست آمده، به دست باستانشناسان و زبانشناسان مورد تحلیل واقع شده و از آنها مطالب جالبی در مورد تقویم قدیم خوارزم، مناسبات ارضی و بازرگانی و رابطه تمدن خوارزم با تمدنهای همسایه، استخراج شده است که برای ما بسیار مغتنم است بویژه که ما از طریق ابوریحان، قبلاً به برخی از این اطلاعات دسترسی داشته ایم و اکنون میتوانیم مطالب آثار الباقیه را در پناه کشفیات باستانشناسی بهتر ارزیابی کنیم. چنین است آثار نسا (مخصوصاً متون پارتی) که اطلاعات جالبی در مورد آغاز کار اشکانیان به دست می دهد و پنجکندومرو و چندین جای دیگر که ذکر همهٔ آنها در اینجا میسر نیست.

به زعم مترجم در مقدمه، حواشی و موخرهٔ کتاب، نویسندهٔ اصلی یعنی آ. بلنیتسکی «تحت تأثیر قالبهای پیش ساخته ای قرار می گیرد که... در خط تأیید جهان بینی ماتریالیسم تاریخی... حرکت می کند» (ص ۶) و امثال او «بازیرکی هر چه تمامتر برآند تا با قلب بسیاری از واقعیت های تاریخی، جدایی سرزمین های زیر سلطهٔ سیاسی

خود را از سرزمین‌های مادر، به گونه دلخواه توجیه کنند.» (ص ۳۰۲) بلینتسکی مثلاً کوشیده است تا «بازیگرکی خاصی... عنوان شناخته شده و مسلم ایرانی را از نام رستم بردارد و او را از يك قهرمان ایرانی تنها به يك قهرمان آسیای مرکزی تبدیل کند» (ص ۲۲۳) توضیحاً عرض می‌شود که او رستم را قهرمان سکاها نامیده است. همان صفحه). مترجم نام کتاب را تغییر داده و برخلاف گفتار خود در مقدمه که برای حفظ امانت، عناوین داخل کتاب را حفظ کرده است، این کار را نکرده و مثلاً در آغاز بخش سوم (ص ۱۱۱) بجای آسیای مرکزی، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر به کار برده است...*

مترجم در این حواشی و مؤخره کوشیده است که دسیسه‌های روسیه تزاری و اتحاد شوروی امروز را در مورد تجزیه ایران و حتی دیگر قسمت‌های جهان بر ملا سازد. حال به نمونه‌های زیر که همه تلفظ‌های نادرست نام‌های مناطق اقوام و اشخاص سلف آسیای مرکزی و برخی از آنها حتی فارسی است توجه فرمائید:

آمان کوتان بجای آمان‌قوتان ص ۶۱

تخت کرچه بجای تخته کرچه ص ۶۱

ژاوکسیور بجای گوکسیور ص ۶۷ و ۶۶

کاخک بجای کاخکه ص ۶۶

کل تمینار بجای کلته‌مینار (منار کلات) ص ۷۱.

تربگیاب بجای تزه بغیاب یا فارسی‌تر تازه بغیاب ص ۷۲

کوکچا بجای گوگچه یا کوکچه ص ۷۲

دال ورزین را باید دالورزین نوشت

گولیامف بجای غلامف ص ۷۲

ساکا بجای سکا ص ۸۱ و مکرر پس از آن

گیور قلعه بجای گورقلعه (قلعه گور) ص ۸۴

کلالی‌گیر بجای کله‌لی‌گر (قلعه لی‌گور؟) ص ۸۴

کیوزلی‌گیر بجای کوزلی‌گر (گوزلی‌گور؟) ص ۸۴

اویگارک بجای اویگاراخ ص ۹۸ و ۱۴۲

در عوض، کهن قلعه بجای کوخن قلعه ص ۱۰۵

کوی کر بلگان قلعه بجای قوی قیر یلقان قلعه (قلعه گله‌دران) ص ۱۰۷

خالچیان بجای خالچایان ص ۱۴۰

توپراک قلعه بجای توپراق قلعه ۱۴۳

کورم بجای قوروم یا گوروم ص ۱۴۶

هم سمیرچیه و هم سمیرچییه ص ۱۶۹

* چون مسئله نام‌های تاریخی جغرافیایی و مصطلحات جغرافیایی سیاسی قرن اخیر قابل بحث به‌صورت جدی‌تری است امیدواریم علاقه‌مندان و مطلعان درین باره مطالبی بنگارند و برای درج در مجله بفرستند. (آینده)

آک‌تیه بجای آق تیه ص ۱۷۴
 بولو بجای بلو ص ۱۷۴
 بانیرتیه بجای باتر یا بانورتیه ص ۱۷۴
 لکشیم بجای آق بشیم
 سبک ماهانی بجای سبک ماهایانی (منسوب به ماهایانه) ص ۱۷۸
 اجنه تیه بجای آجیناتیه
 پنجهی کنت (اگرچه معمول شده) بجای پنجکند (تلفظ محلی panjakend) ص ۱۸۵

گذشته از این تعدادی از نام اشخاص و کتب و دیگر نامها هم درست نیست مثل:
 وازیشکا بجای وایشکا ص ۱۶۳
 واسودووا بجای واسودوا ص ۱۶۳
 نام قزاقی آلسیباو بجای آلیسیبایف ص ۶۱
 نام روسی کوفتن بجای کوفتین ص ۶۴ و ۶۷
 کواشوان چینی بجای کوئه - شوان ص ۱۷۵
 بودیساتوا بجای بودیستوه ص ۱۷۸
 دیواستیج بجای دیواستیج ص ۱۸۶
 پانچاتلنترآ بجای پنجه‌تنتره ص ۲۲۵ و ۲۲۴
 سیت‌ها بجای سکاها ص ۲۲۳

مترجم برخی از اصطلاحات عادی زمینه کار خود را هم نمی‌شناسد مثل:

نوعی عقیق بجای عقیق (ص ۲۱۸). مترجم کارنلین یا کرنلین cornelian را نوعی عقیق ترجمه کرده‌اند و آنگاه آگات agate را عقیق، درحالی‌که باید برعکس می‌شد. کرنلین را در فارسی عقیق می‌گویند و نوع سرخ، زرد، سفید و... موجودار آن را (که بلورهایش باچشم غیر مسلح قابل تشخیص است) عقیق یمانی می‌نامند و آگات را که عقیق خط دار و گاهی دارای خطوط یا نوارهای متحدالمرکز است به فارسی عقیق سلیمانی می‌نامند.

میدانیم که سکاها در تیره‌های مختلف در قسمت‌های شرق و شمال ایران می‌زیسته‌اند. دانشمندان جهان نامهای مختلفی به آنها داده‌اند اما برای ما که ایرانی هستیم و آنها را باید همخون و هم‌تراد و حتی هم میهن باستانی خود بدانیم فرقی نمی‌کند. مترجم یک‌جا آن‌ها را ساکا (مکرر در کتاب) و جائی (ص ۲۲۳) بسبت و بالاخره در صفحه ۱۱۲ ساس نامیده‌اند. مترجم تلفظ چینی را که به فرانسه Saces نوشته شده «ساس»‌ها خوانده‌اند و به راه‌نمایی هم که در کتاب بوده توجه نکرده‌اند. در متن گفته شده «... که در صفحات پیش آن‌ها را شناختیم...» و در صفحات پیش سخن از هیچ نوع حشره‌ای نیست و بلکه مکرر از همان قوم سکا یاد می‌شود.

۱- بزبانهای مختلف این اقوام را سکا، سبت، اسکیت، اسکوت، اسکوف و اسکیف می‌گویند. در فارسی سکا و زبانهای آنها سکانی جا افتاده است.

در صفحه ۲۲۵، از ستاره‌بینی و ستاره‌شناسی صحبت شده است. چون من براساس متن انگلیسی قضاوت می‌کنم (متن فرانسه در دسترس نبود) احتیاطاً عرض می‌کنم که دو اصطلاح داریم یکی *aastrology* که باید آنرا تنجیم ترجمه کرد و دیگری *astronomy* که باید نجوم ترجمه شود. در جهان قدیم، تعداد دانشمندانی که این دورا از هم متمایز می‌کردند بسیار اندک بود. در متن کتاب به انگلیسی نجوم به کار رفته است نه تنجیم و بنابراین ستاره‌بینی و ستاره‌شناسی درست یا لااقل دقیق نیست.

بنابراین تقریباً نیمی است از مقاله آقای حصوری. به ملاحظه صرفه‌جویی کاغذ کوتاه شد.

سید علی ملکوتی

برگزیده مرصادالعباد نجم‌الدین رازی

انتخاب و مقدمه و فرهنگ لغات از: دکتر محمد امین ریاحی. انتشارات توس. بهمن ۱۳۶۱. ۳۵۹ صفحه.

نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد شاهور بن انوشیروان بن ابی‌النجیب الاسدی رازی به سال ۵۷۳ در شهر ری به دنیا آمد و در سال ۶۵۴ در بغداد درگذشت. او را به اختصار نجم‌الدین رازی می‌نامند و علاوه بر مشرب عارفانه و آثاری ازین دست «شاعر» هم هست. «تخلص او در پایان غزلها به صورت «نجم» یا «نجم رازی» است. او را به لقب «دایه» نیز نامیده‌اند، خود گفته است ص ۱۵: «(ما دایه دیگران و او دایه ماست.) لطف این سخن بر خوانندگان فرزانه پوشیده نیست، مریدان بسیاری در مکتب او پرورش یافته‌اند و از این رو به «دایه» معروف است.

اما اینکه چرا برگزیده مرصاد چاپ شده مصحح می‌نویسد: «متن کامل مرصاد-العباد را در سالهای ۳۶ تا ۳۹ بر مبنای هشت نسخه کهن خطی تصحیح کردم و حاصل کار در سال ۱۳۵۲ در مجموعه متون فارسی از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. طبیعی است که چنین متنی به علت کثرت نسخه بدلها و تفصیل مقدمه و حواشی و تعلیقات و توضیحات مفصل و ذکر منابع به کار محققان و پژوهندگان می‌آید و به این علت است که برای اهل ذوق و شیفتگان زبان و ادب فارسی که می‌خواهند از آثار پیشینیان بهره گیرند، برگزیده‌ای از آن کتاب را مناسب می‌داند که فارغ از دست‌اندازهای لذت شکن حواشی و غیره، لذت ببرند. ص ۷.»

محتوای کتاب مرصادالعباد، بیان افکار صوفیانه و تحقیق در وضع زندگی و اندیشه مردم آن روزگار به‌ویژه صوفیاز است و از جهت شیوه نگارش شری روان و فصیح و بی‌تکلف دارد که مفاهیم اخلاقی و «فرهنگ صوفیانه» را به‌رواثرترین شکل بیان

۱- الوافی بالوفیات صفدی متوفی در ۷۶۴، نسخه خطی کتابخانه ملک و ظاهراً به‌تقل از او در مجمل فصیحی ج ۲ ص ۲۶۲. مقدمه مصحح ص ۳۱.